

## بررسی اثرات آزاد سازی قیمت های نهاده های کود شیمیایی و سم بر تولید برنج در استان خوزستان

محمدطاهر دغلاوی<sup>۱</sup>، میرمهیار میر صالح پور<sup>۲</sup>

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران ([mt.daghlavi@gmail.com](mailto:mt.daghlavi@gmail.com))

۲. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

([m.mirsalehpour@gmail.com](mailto:m.mirsalehpour@gmail.com))

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی اثرات آزادسازی قیمت‌های نهاده‌های کود شیمیایی و سم بر تولید برنج در استان خوزستان است. برای دستیابی به این هدف از در این مطالعه جامعه آماری، کلیه برنج کاران شهرستان‌ها شادگان، شوشتر و اهواز است که جمعاً ۵۰۰ کشاورز هستند که از این تعداد، ۲۲۶ کشاورز به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. در این تحقیق با تخمین چندین تابع تولید و انتخاب بهترین تابع تولید و محاسبه کشش نهاده‌های تولید و همچنین تخمین تابع هزینه ترانسلوگ به روش ISUR و نیز محاسبه کشش‌های خود قیمتی و متقاطع و کشش‌های متقاطع آلن و توابع تقاضا برای نهاده‌ها، آثار سیاست آزادسازی بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان داد که درصد تغییرات تولید برنج به ازای یک درصد تغییر در قیمت نهاده کود، کمتر از یک درصد تولید برنج کاهش یافته است، می‌توان گفت تولید برنج نسبت به قیمت نهاده کود کم کشش است. بنابراین سیاست حذف یارانه کود شیمیایی تاثیر چندانی در کاهش تولید برنج ندارد. همچنین برای نهاده سم نیز مانند نهاده کود شیمیایی شرایط یکسانی وجود دارد یعنی تولید برنج نسبت به قیمت نهاده سم کم کشش است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حذف یارانه سم تاثیر چندانی در میزان مصرف این نهاده و در نتیجه کاهش تولید نخواهد داشت. بنابراین سیاست حذف یارانه سم تاثیر چندانی در کاهش تولید برنج ندارد. همچنین از آنجا که براساس کشش تولید، نهاده‌های کود شیمیایی و سم در ناحیه دوم مصرف می‌شود؛ یعنی در سطح بهینه مصرف می‌شوند. بنابراین واکنش کشاورزان، بنابر قانون تقاضا و کشش، کاهش در مصرف این نهاده‌ها است. نتایج تحلیل تابعی نیز نشان داد که کاهش مصرف کود شیمیایی و سم در تولید سبب کاهش میزان تولید و مصرف این نهاده در ناحیه یک تولیدی یعنی ناحیه غیر اقتصادی و عملاً ایجاد زیان‌های بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

سیاست آزادسازی، کود شیمیایی، سم، برنج، خوزستان.

### ۱-مقدمه

کشاورزی به عنوان یکی از محورهای اساسی رشد در کشورهای در حال توسعه، نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد. جهت دستیابی به توسعه کشاورزی به سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب و پذیرفتنی از سوی کشاورزان نیاز است. تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در بخش کشاورزی ضمن این که مستلزم آگاهی کافی از شرایط تولید و منابع موجود در این بخش است، تا حدودی زیادی نیز به میزان آگاهی برنامه ریزان و سیاست گذاران از شیوه تصمیم گیری کشاورزان و واکنش آنها در برابر سیاست‌های به کار رفته بستگی دارد. از جمله سیاست‌های حمایتی

دولت در بخش کشاورزی که با هدف حمایت از تولید کنندگان داخلی برای دسترسی به هدف‌های رشد تولید داخلی و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش صادرات صورت می‌گیرد، یارانه تولیدی است. این یارانه شامل یارانه‌های عوامل تولیدی و پرداخت یارانه برای خرید تضمینی است (طیبی و مصری نژاد، ۱۳۸۶). به رغم آثار مثبت آزاد سازی فعالیت‌های اقتصادی در گوشه و کنار جهان، دولت ایران هنوز سهم عمده‌ای در اقتصاد کشور دارد. این در حالی است که تقریباً همه اقتصاد دانان روی کارایی پایین فعالیت‌های اقتصادی دولت اتفاق نظر دارند (بخشوده، ۱۳۸۰). بی تردید با آزاد سازی قیمت‌ها، تعادل بازار و در نتیجه قیمت و مقدار تعادلی آن‌ها به هم خواهد خورد و شرایط دیگری بر بازار آن‌ها حاکم خواهد شد و برای دولت دو دغدغه اساسی ایجاد می‌شود: (۱) نوسان تولید (۲) کاهش مصرف کنندگان در اثر حذف حمایت قیمتی از آن‌ها و در نتیجه ظهور تورم، از طرف دیگر هدفمند سازی یارانه‌ها و آزاد سازی قیمت حامل‌های انرژی، صنایع با مصرف انرژی بالا را آسیب پذیر تر می‌کند (نجفی، ۱۳۸۹). علی‌رغم اینکه عرضه نهاده‌های کشاورزی در سطح قیمت نازل می‌تواند موجب تقویت و افزایش درآمد کشاورزان گردد، لیکن این امر نباید سبب مصرف بی‌رویه نهاده‌ها گردد. از طرفی نیز اگر قیمت نهاده‌ها بیش از اندازه پایین باشد مصرف آن نهاده بدون هیچ محدودیتی افزایش خواهد یافت. این امر موجب می‌شود کشاورز بدون توجه به بازدهی نهایی، عامل نهاده را مصرف کند. بنابراین قیمت نهاده در سطحی که مصرف بی‌رویه به دنبال نداشته باشد و همچنین بر تولید محصولات و محیط زیست اثرات مخرب نداشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. برنج دومین عنصر مهم غذایی است که پس از گندم در سبد غذایی مردم ایران جای گرفته است. ایران با واردات بیش از یک میلیون تن برنج در سال‌های اخیر، پس از کشورهای فیلیپین، نیجریه و عربستان سعودی در رده چهارم واردات برنج قرار گرفته است. این در حالی است که عملکرد تولید برنج ایران به تقریب با متوسط عملکرد جهان برابری می‌کند و میزان واردات کشور حدود ۲ برابر میزان نیاز مصرف کشور است. علاوه بر مشکلاتی که پیشی گرفتن میزان واردات برنج از میزان تولید آن برای کشاورزان ایجاد می‌کند، بررسی آمار واردات برنج نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ میزان واردات این محصول از ۶۹۹ هزار تن در سال ۸۰ به ۱۲۸۹ هزار تن در سال ۹۱ رسیده است که نشان دهنده افزایش ۴۵ درصدی در این دوره است. لازم به ذکر است به طور کلی اگر مصرف سرانه برنج هر ایرانی ۴۰ کیلوگرم در نظر گرفته شود، سالیانه سه میلیون تن برنج مورد نیاز است که با احتساب تولید ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تن در داخل، نیاز به واردات ۶۰۰ هزار تن برنج است آمار ار قام